

بررسی توحید ربوبی در صحیفه سجادیه

مهدی صفائی اصل^۱

چکیده

توحید ربوبی از مهم‌ترین مباحث اعتقادی در بین بسیاری از ادیان، به ویژه اسلام است که التزام و عدم التزام به آن شاخصه‌ای مهم در تمایز برخی فرقه‌ها، همچون معتزله از دیگر فرقه‌های مسلمانان می‌باشد. از طرفی بررسی اصول و ریشه‌های این مقوله در روایات معصومین علیهم‌السلام از اهمیت وافری برخوردار بوده، بسیاری از مبانی کلامی امامیه بر همین میراث روایی ائمه علیهم‌السلام استوار می‌باشد.

معارف والای عرفانی، کلامی و فلسفی **صحیفه سجادیه** از دیرباز تا کنون هدایتگر اندیشمندان مسلمان، خصوصاً علمای شیعه بوده است؛ به عنوان نمونه، مظاهر توحید ربوبی مانند: توحید در حاکمیت، تشریح، رازقیت، ولایت، مغفرت، شفاعت و هدایت، فراوان در ادعیه و مناجات‌های امام علیه‌السلام مشاهده می‌گردد. حضرت علیه‌السلام در قالب دعا، معارف عمیق عقلی را در جو خفقان آمیز بنی امیه برای هدایت انسان‌های تشنه معرفت بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: توحید در حاکمیت، توحید ربوبی، زین العابدین علیه‌السلام، صحیفه سجادیه، مظاهر توحید ربوبی.

مقدمه

دوران امام سجاده علیه‌السلام از حساس‌ترین و ناگوارترین دوره‌های جامعه اسلامی بود،

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی safaii@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۹

به طوری که همه ارزش‌های دینی دستخوش تحریف و تغییر امویان قرار گرفته، مردم یکی از مهم‌ترین شهرهای مذهبی (مدینه)، می‌بایست مانند بردهٔ یزید با او بیعت کنند. احکام اسلامی بازیچه دست افرادی همچون ابن زیاد، حجاج و عبد الملک بن مروان بود. حجاج، عبد الملک را مهم‌تر از رسول خدا ﷺ می‌شمرد! و برخلاف نصوص دینی از مسلمانان جزیه می‌گرفت و با اندک تهمت و افترا بی مردم را به دست جلادان می‌سپرد. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۶۰) شخصیت برجسته امام سجاد علیه السلام زبانزد خاص و عام بود، به طوری که محمد بن سعد، مورخ و عالم اهل سنت، دربارهٔ امام علیه السلام می‌نویسد: «علی بن الحسین علیه السلام مورد اطمینان و امین بود، بسیار حدیث نقل می‌کرد و مقامی بلند داشته و اهل ورع و تقوا بود». ^۱ (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵/۲۲۲) شافعی نیز امام علیه السلام را فقیه‌ترین اهل مدینه معرفی می‌کند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳: ۱۵/۲۷۴) در آن دوران، امام سجاد علیه السلام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید حقّه بهره‌گیرد و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت، عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. از همین رو مباحث توحیدی، به ویژه توحید ربوبی، جایگاهی ویژه در ادعیه و مناجات‌های ایشان داشت.

منظور از توحید ربوبی، عبارت است از اعتقاد به اینکه تدبیر عالم ممکنات به دست خداوند است، و اسباب و علل طبیعی همگی سربازان و کارگزاران خداوند هستند که به امر و مشیت او عمل می‌کنند، چنان که قرآن تصریح می‌کند در این عالم موجوداتی هستند که به اذن الهی به تدبیر امور عالم می‌پردازند، مانند آیه: ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ (نازعات/۵). تدبیر هستی در حقیقت، همان تداوم آفرینش و خلقت است. به عبارت دیگر هر جزء از نظام هستی، به دلیل فقر امکانی، فاقد وجود ذاتی است، ولی فقر او منحصر به ابتدای آفرینش او نیست، بلکه در بقا نیز این فقر همراه اوست. بنابراین تدبیر عالم، جدای از خلق و ایجاد عالم نیست، و تدبیر، همان خلق و ایجاد مستمر است. (سبحانی، ۱۴۱۲: ۲/۶۴) از طرفی وحدت و انسجام نظام عالم در صورتی امکان‌پذیر

۱. «كان علي بن الحسين عليه السلام ثقة، مأموناً، كثير الحديث، عالياً، ربيعاً، ورعاً».

است که همه عالم زیر نظر حاکم و مدبر واحدی باشد، و اگر هستی، تحت اداره دو مدبر بود، اثری از پیوستگی تدبیر و انسجام اجزای عالم وجود نمی داشت. زیرا تعدد مدبر و نظام، اختلاف در تدبیر و اراده است، و این اختلاف، با انسجام اجزای عالم منافات دارد. پس وحدت و انسجام نظام عالم نشانگر وحدت تدبیر و مدبر است، چنان که آیه شریفه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ (انبیاء / ۲۲) نیز به همین مطلب اشاره دارد.

حضرت علیه السلام در بسیاری از بخش های صحیفه سجادیه به «توحید ربوبی» اشاره می کند؛ گاهی در ضمن دعا برای فرزندان خویش به این مرتبه از توحید می پردازد^۱، همچنین زمانی که ماه را نظاره می کند^۲، گاهی در اثنای دعا برای سربازان و مرزداران حکومت اسلامی^۳ و حتی هنگامی که به خلقت خویش نظر می افکند^۴، همه و همه را تحت تدبیر خداوند متعال بر می شمرد. البته امام علیه السلام در برخی عبارات های صحیفه سجادیه به ربوبیت و تدبیر عالم گیر الهی اذعان می کند و هیچ موجودی را از این تدبیر خارج نمی داند. بی گمان چنین اذعانی همان اعتراف به «توحید در ربوبیت» است.

امام سجاده علیه السلام در دعای روز عرفه می فرماید: «وَدَّعَيْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا»^۵. کلمه «دون» به معنای «تحت» است و منظور تمام چیزهایی است که تحت قدرت الهی وجود دارد (قهپایی، ۱۳۷۴: ۶۹۶)، بدین ترتیب، عبارت «ما دونك» جمیع ما سوی الله و همه ممکنات را شامل می شود. سید علی خان مدنی ذیل عبارت یاد شده می نویسد: «تدبیر خداوند متعال شامل تصرفات کلی و جزئی او در ذات و صفات موجودات عالم بنابر حکمت و عنایت حق تعالی می شود. همچنین از آنجایی که وحدانیت و قدرت مطلق الهی توسط برهان ثابت شده است، مسلماً توحید در خالقیت و ربوبیت خداوند متعال ثابت خواهد

۱. «وَرَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ وَقَوْلِي صَعِيْفُهُمْ» (صحیفه سجادیه / ۱۲۰).

۲. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ» (همان / ۱۸۴).

۳. «وَدَدِّرُ أَمْرَهُمْ» (همان / ۱۲۶).

۴. «وَرَبِّيْتَنِي صَغِيرًا» (همان / ۲۴۶).

۵. و ماسوای خود را تدبیر و اداره نمودی (همان / ۲۱۲).

شد» (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۶/۲۹۸).

حضرت علیه السلام در دعای ۴۸ صحیفه سجادیه می فرماید: «وَلَا يَجَاوِزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَى شِئْتَ». ^۱ کلمات «کیف» و «انتی» برای استغراق حالت ها و زمان ها به کار می روند و هنگامی که با فعل «لا یجاوز» همراه می شوند، مجموعاً بر نفی مؤکد دلالت دارند، بنابراین از عبارت مذکور فهمیده می شود که هیچ موجودی قدرت عبور و گریز از تدبیر الهی را ندارد. به عبارت دیگر، تدبیر الهی تمام ممکنات را فرا گرفته است.

حضرت علیه السلام در جای دیگر می فرماید: «أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدْبِرُهُ». ^۲ در این عبارت، ضمیر «انت» که فاعل است بر فعل «تدبر» مقدم شده، در حالی که جایگاهش متأخر از آن است. چنین تقدیمی مفید اختصاص و انحصار است، بنابراین حضرت علیه السلام تنها مدبّر عالم هستی را خداوند متعال می داند و از طرفی اشاره لطیفی به علم مطلق مدبّر عالم به موجودات دارد؛ زیرا خلق و تدبیر موجودات متوقف بر شناخت تفصیلی آنها از نظر کمیت، کیفیت و دیگر حالات ممکنات می باشد، در غیر این صورت خلق و تدبیر مستلزم ترجیح بلا مرجح خواهد بود که محال است (همو، ۳۷۳/۷). همچنین برخی شارحان صحیفه این قسمت از عبارت امام علیه السلام را دال بر حضور همیشگی و فراگیر مدبّر عالم با موجودات امکانی دانسته اند (حسینی شیرازی، ۱۳۸۳: ۶/۲۹۵).

همچنین حضرت علیه السلام در دعای ۵۲ صحیفه سجادیه می فرماید: «فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ ... سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ». ^۳ حصری که در این عبارت به کار برده شده به روشنی بر «توحید ربوبی» دلالت می کند؛ زیرا حضرت علیه السلام، جنس «رب» را از غیر خداوند متعال نفی می کند و ربوبیت را فقط مخصوص حضرت حق (جَلَّ وَعَلَا) می داند.

گاهی امام سجاد علیه السلام تمامی تغییرات و دگرگونی ها را در حیطه ربوبیت الهی می داند،

۱. و از تدبیر حتمی توبه هر صورتی و هر زمانی که خواسته ای نمی توان گذشت (همان/ ۲۳۶).

۲. یا چگونه چیزی که خود مدبّر آنی از نظرت پوشیده باشد؟ (همان/ ۲۵۴).

۳. پس ای مولای من، از تو درخواست می کنم ... درخواست کسی که جز تو پروردگاری ندارد

(همان/ ۲۵۶).

به طوری که هیچ حالت و فعلی را خارج از آن نمی توان فرض کرد، تمام حرکات و سکانات ما محکوم قوانین کلی عالم هستی است که خداوند متعال وضع کرده است؛ مانند این عبارت از صحیفه: «وَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ»^۱. کلمه «تقلب» به معنای تغییر حالت انسان و از حالی به حال دیگر شدن است و کلمه «فی» در عبارت برای سببیت می باشد، بنابراین منظور حضرت علیه السلام این است که ما به سبب تدبیر الهی از حالی به حال دیگر تغییر می کنیم.

با کمی دقت و توجه، به راحتی می توان «توحید ربوبی» را از عبارت های ذکر شده به دست آورد، بلکه می توان «توحید در ربوبیت» را در بالاترین مراتب اثبات کرد؛ زیرا حضرت علیه السلام گاهی حتی کارهای جزئی خویش مانند تربیت فرزند را به خداوند نسبت می دهد و البته در برخی موارد هم تدبیر کل عالم هستی را منتسب به خداوند می کند؛ به عبارت دیگر، حضرت علیه السلام تمام افعال، شئون و حالات خویش و جمیع ممکنات را تحت تدبیر الهی و قوانین کلی نظام هستی که توسط حضرت حق (جلّ و علا) وضع شده می داند.

مظاهر توحید در ربوبیت

توحید ربوبی گستره ای وسیع دارد و همه مظاهر عالم هستی و حقایق وجودی را شامل می شود و هیچ مدبری که بالذات و مستقل باشد در صفحه گیتی به جز خداوند وجود ندارد و او پروردگار جهانیان است. از میان این مظاهر گسترده به برخی از آنها که در سخنان امام زین العابدین علیه السلام به کار رفته است، در ادامه اشاره می شود:

۱. توحید در حاکمیت

حاکم کسی است که بر جان ها و اموال مسلط است و در امور جامعه از طریق امر و نهی، و عزل و نصب، محدود کردن یا توسعه دادن قوانین و امثال آن، تصرف می کند.

۱. و در تدبیر و نقشه تو تکا پوداریم (همان/ ۵۰).

روشن است که این تصرفات نیازمند داشتن حق ولایت نسبت به افراد تحت سلطه است، و اگر چنین ولایتی نباشد تصرف او تصرف عدوانی خواهد بود.

از طرف دیگر، ولایت بر دیگران فرع بر این است که والی، مالک یا مدبر امور زندگانی آنها باشد و از آنجا که هیچ کس غیر از خداوند مالک و مدبر دیگران نیست، هیچ کس غیر خداوند ذاتاً ولایت بر دیگران ندارد، و حق ولایت منحصرأً برای خداوند ثابت است. خداوند می‌فرماید: ﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَأَلَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ﴾. (شوری ۹/۱).

امام سجاد علیه السلام در دعای شانزدهم صحیفه سجادیه درباره حکمرانی مطلق الهی می‌فرماید: «إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ»^۱. در کلام امام علیه السلام حکم کردن خداوند متعال، منوط به اراده الهی شده و از آنجای که اراده الهی بر اراده دیگر مخلوقات تفوق دارد و هیچ مانعی قدرت جلوگیری از آن را ندارد، (بلکه اراده دیگر موجودات در طول اراده الهی است و معارضه‌ای نداشته و همیشه اراده الهی حاکم است) حکومت الهی هم بر مخلوقات بدون قید و شرط جریان خواهد داشت. برخی شارحان صحیفه عبارت «انک علی کل شیء قدير» را تعلیل و تقریر برای عبارت مذکور دانسته‌اند، بنابراین حکم الهی به قدرت بی‌پایان حضرت حق (جل و علا) برمی‌گردد و همان‌طور که قدرت خداوند شامل تمام موجودات می‌شود، حکومت الهی هم تمام مخلوقات را در بر گرفته است. (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۱۶۷/۳).

حضرت علیه السلام در جای دیگر حکومت الهی را بدون هیچ‌گونه ضد و مانع معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ». ^۲ مؤلف کتاب مصباح المنیر، «ضد» را به معنای نظیر و مثل می‌داند و «مضادة» را به مباینیت و دوری از روی مخالفت معنا می‌کند (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۳۵۹). ابن منظور درباره کلمه «ضد» می‌نویسد: «ضد، هر چیزی است که با چیز

۱. آیا آنها غیر از خداوند را ولی خود برگزینند؟! در حالی که «ولی» فقط خداوند است.

۲. [خدایا] توهرکاری بخواهی انجام می‌دهی، و هر حکمی اراده کنی صادر می‌کنی. (صحیفه سجادیه/۸۴).

۳. [خدایا] هیچ کس در مقابل حکم تو یارای مخالفت کردن ندارد (کفعمی، ۱۴۰۵: ۱۰۱).

دیگر مقابله کند تا بر او چیره گردد». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳/۲۶۳) بنابراین منظور امام علیه السلام از عبارت بیان شده، این است که حکمرانی خداوند متعال بدون هیچ‌گونه مانعی جریان دارد و در عالم هستی فقط حکم اوست که تحقق بی‌قید و شرط دارد؛ پس همه احکام در برابر حکم الهی مغلوب و مقهورند و این چیزی جز «توحید در حاکمیت» نیست.

حضرت علیه السلام در دعای ۴۶ صحیفه سجادیه سلطنت و حکومت الهی را بی‌پایان معرفی می‌کند و هر گاه تسلط و تصرف خداوند لا یزال و بی‌پایان باشد، بی‌گمان دیگر تصرفات مخلوقات در ضمن تصرفات الهی و مضمحل در آن است، بدین سان می‌توان گفت فقط حکمرانی حضرت حق در عالم هستی ساری و جاری است.

در جای دیگر امام علیه السلام می‌فرماید: «وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ». ^۱ دلیل عدم معارضه با سلطنت و حکومت الهی، چیزی جز اعتباری بودن سلطنت دیگر مخلوقات در برابر سلطنت حقیقی الهی نیست، بدین ترتیب تمام سلطنت‌ها و تصرفات ممکنات، مقهور و مضمحل در سلطنت خداوند خواهد بود و تنها سلطه و تصرف حقیقی عالم متعلق به قادر متعال می‌باشد.

امام زین‌العابدین علیه السلام در دعای چهاردهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ». ^۲ حضرت علیه السلام تمام مخلوقات را محکوم خداوند برمی‌شمرد و غیر او را در عالم حاکم نمی‌داند، به همین دلیل فقط از خداوند متعال کمک و یاری می‌طلبد. (فضل الله، ۱۴۲۰: ۱/۳۳۶) از طرفی کلمه «حاشاک» مؤکد عبارت مذکور است؛ زیرا این واژه یا به معنای استثناء است و «غیرک» را تأکید می‌کند، یا به معنای «سبحانک» است که در این صورت معنای عبارت چنین می‌شود: «خدایا، تو منزّه‌ای از اینکه غیر تو حاکمی برای استعانت و کمک فرض شود!». شاید این عبارت از صریح‌ترین کلمات امام سجاده علیه السلام بر «توحید در حاکمیت» باشد.

۱. و در برابر پادشاهی‌ات پادشاهی نیست (صحیفه سجادیه/۲۱۲).

۲. و از هیچ حاکم و داوری جز تو یاری نمی‌خواهم، حاشا که چنین باشم (همان/۷۴).

توحید در حاکمیت همان طور که مشاهده می‌شود، در عبارات و بیانات امام زین‌العابدین علیه السلام فراوان تکرار شده و امام علیه السلام بر این موضوع اصرار و تأکید ویژه‌ای دارد. سزاین تاکید هم ربوبیت، مالکیت و قدرت بی‌پایان الهی است که حضرت علیه السلام در برخی عبارات‌ها به این نکته اشاره فرمود.

۲. توحید در تشریح

ربوبیت بر دو قسم است: تکوینی و تشریحی. دلایل توحید در ربوبیت تکوینی، توحید در ربوبیت تشریحی را نیز ثابت می‌کند؛ زیرا قانون‌گذاری و تشریح، نوعی از تدبیر است که به واسطه آن امور انسان و جامعه بشری را تدبیر می‌کند، همان طور که نوعی از حکومت و ولایت بر اموال و نفوس است و از آنجا که تدبیر و حکومت، منحصر در خداوند است، هیچ کس غیر از خداوند حق قانون‌گذاری و تشریح ندارد. به همین دلیل قرآن کریم هر نوع قانون‌گذاری را که مطابق حکم و تشریح الهی نباشد، کفر^۱ و ظلم^۲ و فسق^۳ می‌داند.

حضرت علیه السلام در اولین دعای صحیفه سجادیه می‌فرماید: «ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَبْتَلَى شُكْرَنَا».^۴ هر دو فعل «امرنا» و «نهانا» به صورت مطلق و بدون قید آمده و مأمور به و منهی عنه آن دو ذکر نشده است، و این عدم ذکر متعلق به دلیل محذوف یا منوی بودن آنها نیست، بلکه حقیقت امر و نهی که همان تشریح الهی است، مورد نظر امام علیه السلام می‌باشد. (کبیرمدنی، ۱۴۰۹/۱:۳۷۵) امام سجاد علیه السلام قبل از این عبارت، خداوند

۱. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ (مائده / ۴۴)؛ و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده کرده حکم نمی‌کنند، کافرند.

۲. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (مائده / ۴۵)؛ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگراست.

۳. ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (مائده / ۴۷)؛ و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، فاسق اند.

۴. سپس ما را فرمان داد تا فرمان بری ما را بیازماید، و نهی کرد تا شکرمان را امتحان کند. (صحیفه سجادیه / ۳۲).

متعال را به دلیل آفرینش نیکوی انسان و بهره‌مند ساختن او از نعمت‌ها می‌ستاید و با کلمه «ثم» نتیجه می‌گیرد که چنین خدایی ما را امر و نهی کرد، گویا حضرت علیه السلام می‌خواهد نتیجه بگیرد خدایی که انسان را خلق نمود و او را از نعمت‌ها بهره‌مند ساخت، حق تشریح و قانون‌گذاری برای او را هم دارد و بلکه فقط خالق انسان، حق قانون‌گذاری برای او را دارد. حضرت علیه السلام در این عبارت علاوه بر اثبات اصل تشریح برای خداوند متعال، به فلسفه امر و نهی الهی هم می‌پردازد، البته این عبارت برگرفته از برخی آیات قرآن کریم، مانند آیه **﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾** (ملک / ۲) ^۱ و آیه **﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾** (کهف / ۷) ^۲ است. امام علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: **«لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ»**.^۳ حضرت علیه السلام به وسیله «لا»ی نفی جنس، هرگونه امری را در مقابل امر الهی از خود نفی می‌کند و فقط امر خداوند را نافذ می‌داند. سید علی خان مدنی در شرح این عبارت، می‌نویسد: «ظاهراً واژه «امر» در مقابل «نهی» است». (همو، ۱۴۰۹: ۳/۴۶۱) بدین ترتیب حضرت علیه السلام حق تشریح را فقط مختص خداوند متعال می‌داند و برای انسان چنین حقی را قائل نیست.

البته می‌توان واژه «امر» را به امر تکوینی هم معنا کرد؛ زیرا کلمه «امر» قابلیت حمل بر هر دو معنای تکوینی و تشریحی را دارد، از طرفی ممکن است امام علیه السلام هر دو معنا را از این واژه اراده کرده باشد. بنابراین عبارت مذکور در صورت اراده امر تشریحی از کلمه «امر» و همچنین اراده امر تکوینی و تشریحی از این واژه، «توحید در تشریح» را اثبات خواهد کرد. امام علیه السلام در مناجاتی دیگر درباره تشریح مطلق الهی می‌فرماید: **«إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ»**.^۴ منظور از فعل «تَحْكُمُ»، انشای احکام یا اوامر الهی است و عبارت «مَا

۱. آن [خدای] که مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترند.

۲. ما آنچه را بر زمین است مایه آرایش آن ساخته‌ایم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک نیکوکارترند.

۳. در برابر امر تو امری ندارم، حکم تو درباره من جاری است (صحیفه سجادیه/۱۰۴).

۴. خدایا! تو آنچه بخواهی انجام می‌دهی، و هر حکمی اراده کنی صادر می‌کنی (همان/۸۴).

تُرید» برای مبالغه در اجرای حکم است، به طوری که هیچ مانعی نمی‌تواند جلو حکم کردن خداوند متعال را بگیرد. (همان: ۱۶۷/۳) بنابراین خداوند هر طور که بخواهد و هر زمان که ایجاب کند، اوامر خود را انشاء می‌کند. اطلاق و سعه مذکور در حکمرانی خداوند، فقط با «توحید در تشریح» سازگار است.

آنچه یاد شد، گوشه‌ای از بیانات حضرت علیه السلام درباره توحید تشریحی است. روح تعبد و سرسپردگی امام زین العابدین علیه السلام در مقابل اوامر و نواهی حضرت حق (جل و علا) و همچنین عدم ابراز نیاز خویش در مقابل غیر خداوند و مناعت طبع امام علیه السلام، به خوبی نمایانگر اعتقاد به «توحید تشریحی» از سوی ایشان است.

۳. توحید در رازقیت

شاید بیشترین درخواست حضرت علیه السلام از خداوند متعال، طلب رزق و روزی است، به طوری که در لابه لای بسیاری از دعاهای امام علیه السلام، طلب روزی نهفته است. البته روزی از دیدگاه امام علیه السلام به دو بخش دنیوی و اخروی، یا مادی و معنوی تقسیم می‌شود؛ مثلاً گاهی حضرت علیه السلام از خداوند متعال درخواست می‌کند که ترس از کیفر قیامت را روزی اش گرداند^۱ و گاهی طلب شفاعت را.^۲ همچنین گاهی روزی شدن صحت بدن و سلامتی را برای عبادت می‌خواهد^۳ و در برخی موارد هم پرورش خود توسط تغذیه پاک و طیب را به خداوند منتسب می‌کند.^۴ امام سجاده علیه السلام در برخی از دعاهای صحیفه سجادیه گستره رازقیت الهی را آن قدر وسیع می‌داند که تمام موجودات امکانی را در برمی‌گیرد و جایی برای رازقیت غیر او باقی نمی‌گذارد. این تعبیرها بی‌گمان «توحید در رازقیت» خداوند متعال را اثبات می‌کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْعَوِيدِ» (همان/ ۲۰۴).

۲. «وَارْزُقْنِي شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۷/۲۰۰).

۳. «وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ» (الصحيفة السجادية/ ۱۰۰).

۴. «وَعَدَّأَنَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ» (همان/ ۳۰).

حضرت علیه السلام در اولین دعای صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوْتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدًا». منظور از «روح»، همان طور که برخی شارحان صحیفه گفته‌اند، نفس ناطقه انسان است که از آن به «من» تعبیر می‌شود و یا جوهر مجردی است که به بدن تعلق گرفته و آن را تدبیر می‌کند (همان: ۲۷۲/۱)، با این حال بعضی دیگر کلمه «روح» را به هر صاحب حیاتی از مخلوقات معنا کرده‌اند، که در این صورت شامل تمامی جانداران می‌شود. (قهپایی، ۱۳۷۴: ۸۶) البته در برخی نسخه‌های صحیفه، مانند نسخه «ابن ادریس» به جای کلمه «روح»، واژه «زوج» به کار برده شده است. «زوج» در لغت به معنای «نوع و صنف» (جزری، ۱۳۶۷: ۳۱۷/۲) آمده و شامل تمامی موجودات می‌شود. ذیل این عبارت مؤلف ریاض السالکین یادآور می‌شود که رزق فقط شامل روزی مادی نمی‌شود، بلکه روزی معنوی را هم در بر می‌گیرد، به دلیل روایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «شب را نزد پروردگام بیتوته می‌کنم و او مرا اطعام و سیراب می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹/۳۲۵). همچنین کلام نورانی امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس/۲۴) که فرمود: «منظور از طعام، علمی است که انسان کسب می‌کند، باید دقت کند که از چه کسی فرا می‌گیرد». (کبیرمدنی، ۱۴۰۹: ۱/۲۸۰).

نکته دیگری که در عبارت امام زین العابدین علیه السلام مشاهده می‌شود، تقدیم مفعول در دو فقره «لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدًا» است که بیانگر تأکید خداوند متعال بر معلوم بودن روزی مخلوقات و کم و زیاد نشدن آن است. بی‌شک این تأکید نمایانگر «توحید رازقی» است؛ زیرا امام علیه السلام، تأثیر هر مؤثری غیر از حضرت حق را در روزی دادن به مخلوقات منتفی دانسته و رازقیّت را در خداوند متعال منحصر نموده است.

۱. و برای هر جاننداری از آنان خوراک معلوم و قسمت شده‌ای از روزی خویش قرار داد، نه کاهنده‌ای از سهم آن کس که خدایش افزوده، تواند کاست، و نه افزاینده‌ای بر سهم آن که خدایش کاسته، تواند افزود (همان/ ۲۸).

امام علیه السلام در دعای شانزدهم صحیفه نیز می فرماید: «وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا». لغت شناسان کلمه «سهم» را به «نصیب، حظ و بهره» معنا کرده اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۸/۱۲)، از طرفی هر گاه لفظ «کل» به کلمه دیگری اضافه شود، عمومیت آن را می رساند، به همین دلیل عبارت یادشده به روشنی گستردگی رازقیت الهی را بر تمام ممکنات بیان می کند.

حضرت سجاد علیه السلام در ابتدای دعای ۵۲ صحیفه سجادیه، «توحید در رازقیت» الهی را این طور مطرح می کند: «أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ؟»^۲ استفهام به کار رفته در عبارت، از نوع استفهام انکاری است، و از طرفی این استفهام به معنای انکار وقوع است، نه انکار واقع؛ به عبارت دیگر حضرت علیه السلام می خواهد بفرماید که هیچ راهی برای تحقق چنین گریزی وجود ندارد، و این مبالغه در انکار فرض است. مؤلف ریاض السالکین این عبارت از صحیفه را استدلالی بر غلبه حضرت حق بر جمیع ممکنات دانسته، می نویسد: «غلبه خداوند متعال از دو جهت است:

۱. وجود هر جاننداری متوقف بر روزی الهی است، همانطور که خدا در قرآن می فرماید: «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَزُوقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ»^۳ (ملک/۲۱)، پس گریز از خداوند محال است؛ زیرا روزی مخلوقات به دست اوست.

۲. بر فرض اینکه موجودی قدرت فرار از حضرت حق را داشته باشد، همین که خداوند روزی اش را قطع کند، آن موجود از بین خواهد رفت، پس چگونه فرار از حیطة قدرت الهی ممکن است؟». (کبیرمدنی، ۱۴۰۹: ۷/۳۷۳).

شبهه این بیان، از امام حسین علیه السلام در پاسخ به جوان معصیت کار وارد شده که

۱. و تویی آن که برای هر آفریده ای در نعمت هایت سهمی نهاده ای (همان/۷۸).
۲. یا چگونه کسی که زندگی اش به روزی تو وابسته است می تواند از تو بگریزد؟ (همان/۲۵۴).
۳. یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] بازدارد؟ [نه]! بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند.

حضرت علیه السلام فرمود: «اگر خواستی معصیت خداوند متعال را انجام بدهی از رزق و روزی او نخور، آنگاه هر قدر که خواستی گناه کن». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۵/۱۲۶).

از سخنان یادشده این نتیجه را می‌توان گرفت که ناتوانی مخلوقات در فرار از خداوند متعال، دلیل برگستردگی و عمومیت رزق الهی است و هیچ موجودی بدون روزی حضرت حق، دوام نخواهد داشت.

امام سجاده علیه السلام در «رساله حقوق» می‌فرماید: «اما حقّ عبد تو بر تو این است که بدانی او مخلوق پروردگار و فرزند پدر و مادر تو «آدم و حوا» است ... و تورزقی را برای او تولید نکرده‌ای، ولی خدای عزّ و جلّ تو را از این کار بی‌نیاز نموده و این امر مهم را برای تو کفایت کرده است». (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۶۲۱).

این عبارت از روشن‌ترین بیانات حضرت علیه السلام درباره توحید رازقی خداوند متعال است؛ زیرا به صراحت روزی دادن را از مالک عبد منتفی کرده و آن را به خداوند نسبت داده است.

با در نظر گرفتن مطالب ذکر شده می‌توان این نتیجه را گرفت که امام زین‌العابدین علیه السلام در تمام شؤون زندگی و لحظات عمر شریفش فقط از خداوند طلب رزق و روزی می‌کند و فقط او را روزی دهنده حقیقی می‌داند. همچنین رزق الهی را آن قدر گسترده برمی‌شمرد که شامل همه ممکنات می‌شود، به طوری که حتی فرار مخلوقات هم از این حیطة قابل فرض نیست، این شمول و گستردگی چیزی جز «توحید در رازقیت» را اثبات نمی‌کند.

۴. توحید در ولایت

یکی از مباحثی که در احادیث روایت شده از امام سجاده علیه السلام فراوان یافت می‌شود، سخن از «توحید ولایی» است. حضرت علیه السلام در موارد عدیده امور خود را به خداوند متعال می‌سپارد و او را تنها ولیّ عالم می‌خواند. حضرت علیه السلام در دعای بیستم صحیفه سجادیه

درباره «توحید ولایی» می‌فرماید: «وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيَّ الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ». ^۱ کلمه «دون» در این عبارت حصر را می‌رساند، همانطور که اگر به کسی بگویی: «هذا الملك لك من دون الناس»؛ یعنی این ملک فقط متعلق به توست و به دیگری نخواهد رسید. همچنین واژه «ولی» بر وزن فعیل و متضمن معنای فاعلی است، و مراد از آن به پا دارنده کاری یا امری است. (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۳/۴۲۳) از طرفی «ال» در دو کلمه «اعطاء و منع» برای استغراق جنس است که شامل تمام موارد این دو واژه می‌شود و فقط خداوند قادر بر آوردن مطلق اعطا و عدم آن است. بنابراین منظور از این عبارت آن است که «خدایا فقط تو برپا دارنده بخشش و منع آن هستی و غیر تو هیچ ولایتی بر این امر ندارد».

امام علیه السلام در جای دیگر شبیه این عبارت را به کار برده، می‌فرماید: «فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِي وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيَّ حَاجَتِي». ^۲

حضرت علیه السلام در مقام دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْمُرْتَشِدُ». ^۳ همان‌طور که مشاهده می‌شود، این عبارت هم به دلیل بارز نمودن ضمیر «انت» و همچنین وجود «ال» جنس در کلمه «ولی» که هر دو بر تأکید و حصر ولایت و هدایت در خداوند متعال دلالت می‌کنند، نمایانگر «توحید در ولایت» حضرت حق (جل و علا) است. حضرت علی علیه السلام نیز در مناجات مسجد کوفه، نزدیک به همین عبارت می‌فرماید: «مَوْلَايَ مَوْلَايَ، أَنْتَ الْمَوْلَى، وَأَنَا الْعَبْدُ، وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى». ^۴

۱. حال آنکه تو - نه آنان - صاحب اختیارِ منع و عطایی. (صحیفه سجاده ۱۰۰).
۲. پس تو - ای مولای من - به جای هر کس دیگری که از او خواهش شود، جایگاه خواهش منی، و به جای هر کس دیگری که از او طلب کنند، برآورنده حاجت منی. (همان / ۱۳۴).
۳. خدایا فقط تو سرپرست و راهنمایی. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/۱۵۴).
۴. مولای من، مولای من، فقط تو سرپرست منی، و همانا من بنده تو هستم، و آیا غیر از مولا کسی بر بنده رحم می‌کند؟ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۱۷۴).

۵. توحید در مغفرت

امام سجاده علیه السلام در میان ادعیه و مناجات‌های خویش از خداوند متعال طلب مغفرت می‌کند و فقط حضرت حق (جلّ و علا) را بخشاینده گناهان و کاستی‌ها دانسته، تنها مرجع بخشایش گناهان را خداوند معرفی می‌کند و این همان «توحید در مغفرت» است که یکی از مصادیق «توحید ربوبی» می‌باشد. در ادامه برای وضوح بیشتر مطلب، به شرح برخی بیانات حضرت علیه السلام می‌پردازیم.

حضرت علیه السلام در دعای ششم صحیفه سجاده می‌فرماید: «إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ». ^۱ در این عبارت، موصوف دو کلمه «جسیم» و «عظیم» محذوف است و تقدیر آن چنین می‌باشد: «المنان بالعطاء الجسیم والغافر للذنب العظیم» و همچنین ضمیر فصل «انت» به منظور تخصیص آمده، و به صورت بارز بیان شده است، بنابراین معنای عبارت این است که بخشایش گناهان بزرگ فقط توسط خداوند متعال صورت می‌گیرد، نه غیر او (همان، ۲/۲۹۷) و از طرفی خداوندی که بخشاینده گناهان عظیم است، بی‌گمان بخشایش گناهان کوچک هم مستند به اوست، بدین سان تنها مرجع بخشایش گناهان خداوند است و بس، و منظور از «توحید در مغفرت» چیزی غیر از این نیست. امام سجاده علیه السلام تعبیری شبیه به این عبارت را در چند جای صحیفه سجاده به کار می‌برد، ایشان می‌فرماید: «إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ». ^۲ البته این عبارات به دلیل در برداشتن واژه «التواب»، از تأکید بیشتری نسبت به عبارت ذکر شده از دعای ششم صحیفه برخوردارند.

امام علیه السلام در جایی دیگر از صحیفه می‌فرماید: «لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِدُنْيِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ». ^۳ حضرت علیه السلام بخشایش گناهان را منحصر و مخصوص

۱. [خدایا] همانا تویی بخشنده نعمت‌های فراوان، و آمرزنده گناهان بزرگ. (صحیفه سجاده/ ۵۹).

۲. همانا تو [خدایا] پذیرای توبه گناهکارانی. (همان/ ۱۴۶ و ۲۲۰ و ۲۴۸).

۳. جایی برای برآورده شدن حاجتم جز تو نیست، و برای گناهم آمرزنده‌ای جز تو نباشد، حاشا که غیر این باشد. (همان/ ۶۸).

خداوند می‌داند؛ زیرا صدور مغفرت و آمرزش گناهی که استحقاق عقاب الهی را می‌آورد، از دیگران محال است. البته حصری که در بیانات امام زین العابدین علیه السلام مشاهده می‌شود، برگرفته از قرآن مجید است، آنجا که می‌فرماید: «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران / ۱۳۵) ^۱ امام علیه السلام سپس این عبارت را با کلمه «حاشاک» که بر تنزیه خداوند متعال دلالت دارد، تأکید می‌کند.

اختصاص مغفرت گناهان به خداوند در مقاماتی دیگر از مناجات امام سجاد علیه السلام با قادر متعال هم مشاهده می‌شود؛ مانند: «فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِيمَةَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ».^۲ همان‌طور که اشاره شد، آمرزش الهی به گناهان عظیم اختصاص ندارد و شامل باقی گناهان هم می‌شود. همچنین حضرت علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ أَلَذِي يَغْفِرُ الذُّنُوبَ، فَإِنَّا فَعَالُ الذُّنُوبِ وَأَنْتَ عَفَّارُ الذُّنُوبِ»^۳ در این عبارت، «ال» در کلمه «الذنوب»، برای جنس است و مفید عمومیت می‌باشد، بنابراین امام علیه السلام، خداوند متعال را مرجع آمرزش تمامی گناهان می‌داند، بی‌گمان این بیان تعبیری از «توحید در مغفرت» است. درباره مغفرت الهی چنان که اشاره شد، سیدالساجدین علیه السلام جملاتی بسیار شیوا و دل‌نشین دارد که همگی بیانگر ملجأ و مرجعی یکسان برای بخشایش گناهان است، البته برای اثبات مطلوب، عبارت‌های یادشده بسنده می‌کند.

۶. توحید در شفاعت

امام سجاد علیه السلام در بحث شفاعت جملاتی متفاوت دارد، گاهی به غیر خداوند متعال شفיעی برای خود سراغ ندارد، در برخی موارد بعضی اوصاف الهی را شفیع خود قرار می‌دهد و گاهی شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را خواستار است. البته این عبارات با هم

۱. و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمرزد؟

۲. همانا گناهان بزرگ را کسی غیر از پروردگار بزرگ نمی‌آمرزد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۹/۹۱).

۳. چه کسی گناهان را می‌آمرزد؟ پس همانا من بسیار مرتکب گناه شدم و تویی بخشاینده گناهان!

(همان، ۱۴۰/۹۱).

منافاتی نداشته، در جای خود ثابت شده که شفاعتِ مورد تأیید و با اجازه الهی مخالف با توحید نیست، ولی شفاعتِ مستقل غیر خداوند، با توحید منافات داشته و آیات قرآنی آن را مردود دانسته است.

امام علیه السلام در دعای ۳۱ صحیفه سجادیه تنها خدا را شفیع خود دانسته، می‌فرماید: «وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ»^۱ حضرت علیه السلام با «لا»ی نفی جنس، تمام شفیعان را در مقابل خداوند متعال ناکارآمد می‌داند و فقط فضل الهی را شفیع خویش برمی‌شمرد. همان‌طور که اشاره شد، این نفی جنس به شافعان مستقل بازمی‌گردد. البته ایشان علیه السلام در دعای ۳۲ صحیفه تعبیری شبیه به این عبارت نیز دارد.

در جایی دیگر حضرت علیه السلام می‌فرماید: «إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ»^۲. امام علیه السلام در این عبارت، غیر خداوند متعال کس دیگری را برای شفاعت و واسطه‌گری نزد حضرت حق (جلّ و علا) نمی‌خواند، گویا شفיעی غیر او نمی‌شناسد، که در غیر این صورت آن غیر را شافع خود قرار می‌داد. این عبارت نمایانگر اوج توحید است؛ زیرا امام سجاده علیه السلام خداوند متعال را هم معاقب و هم شفیع می‌داند، البته شبیه این بیان در بعضی از مناجات‌های حضرت علیه السلام مشاهده می‌شود؛ مانند: «وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ». (طوسی، ۱۴۱۱: ۲/۵۸۴).

امام علیه السلام در مناجاتی دیگر شفاعتِ شفاعت‌کنندگان را بی‌ثمر دانسته و از اتکای به آنان برائت جسته، می‌فرماید: «وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ»^۳. واژه «مستطیل» به معنای طلب رفعت و تفضل است. علامه مغنیه در شرح این عبارت می‌نویسد: «بیانات امام علیه السلام نمایانگر توحید حقیقی است، به طوری که ایشان به غیر از خداوند متعال چیز دیگری را نمی‌بیند و به تلاش و زحمت خود، هر چقدر هم که زیاد باشد، اعتماد ندارد و

۱. و شفיעی به درگاهت ندارم؛ پس باید فضل و بخشایش توشفیع من باشد. (همان، ۱۴۴).

۲. پروردگارا، به واسطه تو طلب شفاعت می‌کنم به سوی تو. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/۱۴۵).

۳. این چنین نیست که به پشتیبانی شفاعتِ شفاعت‌کنندگان [در برابر تو] گردن‌فرازی نمایم. (صحیفه

فقط متکی به رحمت و کرم حضرت حق است». (مغنیة، ۱۴۲۸: ۵۸۱)

۷. توحید در احیاء و اماتہ

امام سجاده علیه السلام در ضمن مناجات‌های خویش، از مرگ و رستاخیز بسیار یاد می‌کند، و مرگ و زندگی را فقط در تحت قدرت الهی می‌داند. حضرت علیه السلام گاهی مرگ را از جانب خداوند حاکم بر تمام ممکنات می‌داند و گاهی حیات همه چیز را قائم به ذات اقدس الهی بر می‌شمرد. در ادامه به شرح این عبارات‌ها می‌پردازیم.

امام علیه السلام در دعای ۵۲ صحیفه سجادیه می‌فرماید: «فَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتِ، مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ كَفَّرَكَ، وَكُلُّ ذَائِقِ الْمَوْتِ، وَكُلُّ صَائِرٍ إِلَيْكَ». ^۱ در این عبارت، کلمه «قضیت» به معنای «حکمت» می‌باشد و متضمن معنای وجوب است، بنابراین مرگ تمام موجودات مستند به حضرت حق بوده و این حکم هم قطعی و وجوبی است. (کبیرمدنی، ۱۴۰۹: ۳۸۷/۷). امام علیه السلام این بیان را با جمله «وَكُلُّ ذَائِقِ الْمَوْتِ» تقریر و تأکید می‌کند، تنوین «کل» در این جمله عوض از مضاعف الیه و تقدیر آن چنین است: «وَكُلَّهُمْ ذَائِقِ الْمَوْتِ». البته این عبارت برگرفته از آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت/ ۵۷) می‌باشد.

حضرت علیه السلام در جای دیگر احیاء و اماتۀ تمام موجودات را به دست باری تعالی دانسته، می‌فرماید: «يَا مُمَيِّتَ الْأَحْيَاءِ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى». ^۲ «ال» در دو واژه «الاحیاء» و «الموتی»، برای جنس بوده، بر عمومیت مدخول خود یعنی تمام موجودات (مرده‌ها و زنده‌ها) دلالت می‌کند.

امام علیه السلام در مناجاتی دیگر، حیات و زندگی هر چیزی را مستند به خداوند کرده،

۱. پاک خدایا! مرگ را بر همه آفریدگانت رقم زده‌ای، چه یکتاپرستان و چه کافران، و همه مرگ را خواهند چشید، و همه به سوی تو باز خواهند گشت. (همان/ ۲۵۴).

۲. ای میراننده زندگان و ای زنده کننده مردگان. (ابن مشهدی، ۱۴۱: ۱۶۵).

می فرماید: «أَقَمْتُ بِقُدْسِكَ حَيَاةَ كُلِّ شَيْءٍ». ^۱ کلمه «کل» بر عمومیت مدخول خود دلالت می کند، بنابراین هر چیزی که بهره ای از حیات و زندگی دارد، حیاتش وابسته به خداوند متعال است. بدین سان از بیانات حضرت سجاد علیه السلام، به راحتی می توان «توحید در امانت و احیاء» را برداشت کرد.

۷. توحید در هدایت

سیدالسااجدین علیه السلام در موارد متعدد هدایت خود و دیگر بندگان را منتسب به خداوند می داند، به طوری که گاهی شناخت هدایت را منتسب به حضرت حق می کند، گاهی خداوند را تقسیم کننده هدایت بین بندگان می داند، در بعضی موارد خطاب به خداوند عرضه می دارد: خدایا اگر نور هدایت تو نبود، من راه را گم می کردم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۱/۹۱). برخی از این موارد کلی است و شامل تمام موجودات می شود و برخی هم به خود حضرت علیه السلام اختصاص دارد که در ادامه به توضیح آن ها می پردازیم.

امام علیه السلام در دعای ۴۷ صحیفه سجادیه می فرماید: «وَعُرِفَتِ الْهَدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ». ^۲ حضرت علیه السلام هرگونه هدایتی را از جانب خداوند می داند، برخی از شارحان صحیفه، هدایت الهی را به سه گونه تقسیم کرده اند:

۱. هدایت انفسی: مانند قوای طبیعی و حیوانی که شخص توسط آنها کارهای طبیعی خویش را انجام می دهد و همچنین شامل قوای مدرکه فرد می شود که با آن زندگی خود را سامان می دهد.
۲. هدایت آفاقی: این نوع از هدایت به تکوینی و تنزیلی تقسیم می شود؛ منظور از هدایت آفاقی تکوینی، همان ادله ای است که در ضمیر اشخاص به ودیعه گذاشته شده که از آن به هدایت فطری یاد می شود. اما مراد از هدایت آفاقی تنزیلی، احکام نظری و عملی است که توسط پیامبران و کتب

۱. زندگی هر چیزی را به وسیله ذات پاکت، برپا کردی. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۷/۹۱).

۲. و هدایت از نزد تو شناخته می شود. (صحیفه سجادیه/۲۱۲).

آسمانی به بشر رسیده است.

۳. هدایت خاصه: کشف اسرار الهی است که توسط وحی و الهام بر قلب هدایت شدگان نازل می‌شود. آیه شریفه ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبْهَدَاهُمْ أَقْتَدِهِ﴾ (انعام/۹۰) به این نوع از هدایت اشاره دارد. (کبیرمدنی، ۱۴۰۹: ۶/۳۲۵).
بدین سان هرگونه هدایتی اعم از انفسی، آفاقی و خاصه از جانب حضرت حق بوده، مستقیم یا غیرمستقیم به ذات پاک الهی بازمی‌گردد.

نتیجه

در این بحث، توحید ربوبی و مظاهر آن در صحیفه سجادیه به طور مختصر مطرح شد. هرچند این گزارش کوتاه، شامل گوشه‌ای از دریای معارف عرفانی امام علیه السلام می‌شود، اما می‌تواند مقدمه‌ای برای مباحث عمیق‌تر در روایات کلامی، عرفانی و فلسفی ائمه علیهم السلام باشد.

از آنجا که صحیفه سجادیه از دیرباز مورد توجه امامیه بوده است، به نظر می‌رسد بخشی از عقاید کلامی و فلسفی شیعه متأثر از این بیانات گهربار باشد. همان‌طور که مشاهده شد، عبارات امام سجاد علیه السلام هم‌راستا با آیات قرآن بوده، امام علیه السلام در قالب ادعیه و مناجات، معارف الهی را در دوران خفقان بنی‌امیه به شیعیان منتقل نمودند. همچنین این منابع غنی روایی شیعه می‌تواند پاسخگوی بسیاری از نسبت‌های ناروای وهابیت درباره‌ی مشرک بودن شیعیان باشد؛ چرا که این روایات، به صراحت خداوند متعال را فاعل حقیقی معرفی کرده، او را محل بازگشت تمامی امور می‌داند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. صحیفه سجادیه.
۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه بزرگ آیه‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۳ ش.
۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تصحیح و تحقیق محمود محمد طناحی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ ش.

٥. ابن سعد، بن منيع الهاشمي البصري، *الطبقات الكبرى*، تصحيح وتحقيق عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٠ق.
٦. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب* تصحيح وتحقيق جمال الدين ميردامادي، دار الفكر، بيروت، ١٤١٤ق.
٧. جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، ١٣٨٧ش.
٨. حسینی شیرازی، محمد باقر، *لوامع الانوار العرشية في شرح الصحيفة السجادية*، مؤسسة الزهراء عليها السلام الثقافية الدراسية، اصفهان، ١٣٨٣ش.
٩. سبحانی، جعفر، *الالهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*، المركز العالمي للدراسات الاسلامية، قم، ١٤١٢ق.
١٠. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتجهد وسلاح المتعبد*، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، ١٤١١ق.
١١. فضل الله، محمد حسين، *آفاق الروح*، دار المالك، بيروت، ١٤٢٠ق.
١٢. فيومي، احمد بن محمد، *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*، دار الهجرة، قم، ١٤١٤ق.
١٣. قهپايي، بديع الزمان، *رياض العابدين*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، ١٣٧٤ش.
١٤. كبير مدني، سيد عليخان بن احمد، *رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين*، تصحيح وتحقيق محسن حسيني اميني، دفتر انتشارات اسلامي، قم، ١٤٠٩ق.
١٥. مجلسي، محمد باقر، *بحار الانوار*، تصحيح وتحقيق جمعي از محققان، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٠٣ق.
١٦. _____، *مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول عليهم السلام*، تصحيح وتحقيق هاشم رسولي محلاتي، دار الكتب الاسلامية، تهران، ١٤٠٤ق.
١٧. مغنية، محمد جواد، *في ظلال الصحيفة السجادية*، دار الكتاب الاسلامي، قم، ١٤٢٨ق.